

آثار تجمل‌گرایی در خانواده اسلامی

طاهره فصیحی‌زاده^۱، زینب برجی‌نژاد^۲

چکیده

مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، آثار و پیامدهای تجمل‌گرایی در خانواده اسلامی را بررسی می‌کند. پس از بیان و توضیح مفاهیم اصلی و کلیدی یعنی، خانواده، تجمل و اسراف، انواع و عوامل تجمل‌گرایی بیان می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خودنمایی و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه و غرب از عوامل اساسی تجمل‌گرایی و اسراف در خانواده‌هاست که در تهیه خوراک، پوشاک و مسکن، خود را نشان می‌دهد. از آثار و پیامدهای تجمل‌گرایی می‌توان به پیامدهای اقتصادی، دینی، اخلاقی و تربیتی اشاره کرد که در پژوهش حاضر بررسی می‌شوند.

واژگان کلیدی: تجمل، خانواده، اسراف.

۱. مقدمه

اساس و مبنای سبک زندگی اسلامی، تفکر دینی و برگرفته از تعالیم و حیانی و آسمانی و از جانب خالق هستی است. براین اساس یکی از دستورات الهی که انبیا و اولیا بسیار به آن تأکید کرده‌اند رعایت دستور الهی در مورد زندگی خانوادگی است که مشکلات بزرگی را حل می‌کند. تجمل و اسراف از مواردی است که رعایت نکردن آن، تأثیرات منفی بر زندگی انسان داشته و با دستورات دینی سازگاری ندارد. در تحقیق حاضر پس از تعریف و تبیین تجمل‌گرایی، مواردی مانند اسراف، انواع تجمل‌گرایی و آثار آن از

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی سنة العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی- تربیتی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی سنة العالمیه، قم، ایران.

منظر آیات و روایات بررسی می‌شود. در پایان نیز راه کارهای مبارزه با تجمل‌گرایی و اسراف از منظر تعالیم اسلامی بیان می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی در لغت به معنای خود را زینت دادن و آراسته شدن، جمال و نیکورویی را بر خود بستن، خود را زیبا نمایان کردن، آراستن و تکلیف در آرایش کهن است. در اصطلاح یعنی، میل و رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی. گاهی به جای آن، کلمه تجمل‌پرستی به کار می‌رود که برای بیان مقصود، گویاتر است و درجه وابستگی و بندگی تجمل‌پرستان را نسبت به وسایل لوکس، زینتی و تشریفاتی بهتر نشان می‌دهد. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶، ۱/۱۲۵) این کنایه‌ای است از اینکه تجمل حتی گاهی جای خداپرستی را هم می‌گیرد. تجمل‌گرایی نوعی علاقه افراطی به زینت کردن و استفاده از وسایل زینتی است. آنچه در تجمل‌گرایی مهم است، علاقه افراطی است و گرنه استفاده متعارف و در حد نیاز، نكوهیده نیست.

۲-۲. خانواده

خانواده در لغت به معنای خاندان، دودمان، تبار، اهل‌البیت و اهل‌خانه است. (ستوده، ۱۳۷۷، ۱/۱۰۷۸) خانواده در اصطلاح عبارت است از: اهل‌خانه، اهل‌البیت، مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند و نیز خویشاوندان، خاندان و تیره (معین، ۱۳۸۱، ص ۴۷۸).

۲-۳. اسراف

اسراف در لغت به معنای وسیع کلمه، هرگونه تجاوزی است که از حد خود در کاری بگذرد، ولی این کلمه بیشتر در مورد خرج‌ها و هزینه‌ها گفته می‌شود. شهید آیت‌الله دستغیب در کتاب گناهان کبیره، اسراف را یکی از گناهان کبیره می‌داند. وی می‌نویسد: «اسراف به معنای تجاوز از حد و زیاده‌روی کردن است. این تجاوز یا از جهت کیفیت و یا از جهت کمیت است. از جهت کمیت عبارت از صرف کردن ما است در موردی که سزاوار نیست هرچند به مقدار درهمی باشد و از جهت کیفیت، به صرف کردن مال

در مورد سزاوار گفته می‌شود که بیش از اندازه و آنچه شایسته آن است، باشد» (دستغیب، ۱۳۸۹، ۱۰۳/۲).

۳. تجمل‌گرایی در آیات و روایات

مال‌پرستی یکی از جلوه‌های برجسته دنیاپرستی است و تجمل‌گرایی نماد بارز مال‌دوستی است. نیازدگی سرآغاز همه زشتی‌هاست. وقتی مال‌دوستی به‌اوج رسید و به مال‌پرستی گرایید عامل بسیاری از لغزش‌ها می‌شود و انسان‌ها را از راه کمال بازمی‌دارد. تجاوز کردن از حد در هر کاری، تجمل و اسراف است. آنچه در غیرطاعت پروردگار صرف شود مصداق اسراف و تجمل است اگرچه اندک باشد. (خداپرست، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یهدی من هو مسرف کذاب؛ خداوند کسی را که اسراف‌کار و بسیار دروغ‌گو است، هدایت نمی‌کند». (غافر: ۲۸) بدون شک نعمت‌ها و مواهب موجود در کره زمین برای ساکنانش کافی است به شرط اینکه بیپه‌وده هدر داده نشده و به صورت معقول و دور از هر افراط تفریطی بهره‌برداری شود (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). مصرف بیش از اندازه، اسراف است اگرچه به آن نیاز باشد، پس کسی که درآمد محدودی دارد اگر بیشتر از درآمدش خرج کند، اسراف کرده و زندگی تجملی را برای خود فراهم کرده است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وان المسرفین هم اصحاب النار؛ و مسرفان اهل دوزخند». (غافر: ۴۳) در جای دیگر از قرآن کریم، خداوند اسراف را برنامه‌ای فرعون می‌داند و می‌فرماید: «وان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین؛ همانا فرعون برتری جویی در زمین داشت و او از اسراف‌کاران بود» (یونس: ۸۳). کسی که مال خود را در غیر موارد استحقاق صرف کند، اسراف و تجمل را پیشه خود کرده است. ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلندمرتبه کند، اما در آخرت پست و حقیر می‌شود. این کار در پیشگاه خداوند موجب سقوط انسان است (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). در روایات بسیاری، اسراف و تجمل نکوهش شده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی به اصحابش می‌فرماید: «کمترین حد اسراف

این است که لباسی را که در بیرون خانه برای حفظ آبرو می‌پوشی در داخل خانه نیز بپوشی» (کرمی نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «للمسرف ثلاث علامات. یا کل مالیس له و یشتري مالیس له و یلبس مالیس له؛ برای اسراف‌کننده سه نشانه است: می‌خورد آنچه را که سزاوارش نیست، می‌پوشد آنچه را که سزاوارش نیست و می‌خرد آنچه را که سزاوارش نیست». (دستغیب، ۱۳۸۹، ۱۰۳/۲) امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «من بذر و اسرف زالت عنه النعمه؛ کسی که تبذیر و اسراف کند نعمت از او سلب می‌شود» (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۴۶).

۴. انواع تجمل‌گرایی

۴-۱. تجمل‌گرایی در خوراک

از مهمترین عوامل بقای انسان، مواد غذایی است که به وسیله آن، جسم تقویت شده، آماده فعالیت و تلاش می‌شود. از نشانه‌های بزرگ خداوند، نظام محکمی است که برای تغذیه موجودات زنده پایه‌گذاری کرده و در پرتو آن، حیات فردی و نوعی آنها را محفوظ داشته است. (دستغیب، ۱۳۸۹، ص ۶۸) ممکن است عده‌ای فکر کنند که اگر انسان از مواد مختلف غذایی استفاده کند، اسراف می‌کند و با این تفکر، خود و خانواده‌اش را از نعمت‌های الهی محروم کند و سلامت خود و آنها را به خطر اندازد. ائمه معصومین علیهم السلام برای پیشگیری از چنین اندیشه‌ای به مسلمانان تأکید می‌کنند که نعمت‌های الهی برای استفاده‌بندگان است و خداوند هیچ مؤمنی را از سود بردن از آنچه برای آنان آفریده است، منع نمی‌کند (کاشمری، ۱۳۸۸، ص ۸۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لیس فی الطعام سرف؛ در امور مربوط به آذوقه و طعام اسراف نیست». (حرعاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۷) بنابراین، مقصود از این حدیث این است که تأمین احتیاجات بدن از راه تغذیه است. این کار هرچند هزینه زیادی داشته باشد، اسراف نیست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در آنچه به سلامت و اصلاح بدن کمک می‌کند، اسراف نیست. همانا اسراف در آن چیزی است که مال را تلف کرده و به بدن ضرر برساند» (موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳). پس زیاده‌روی در مصرف غذا و

دورریختن آن و بیش از اندازه خوردن از مظاهر تجاوز از حد اعتدال و اسراف است. امروزه بحران غذایی در بسیاری از کشورها مطرح بوده و دیو فقر و گرسنگی در بسیار از کشورها فاجعه می‌آفریند. وقتی که میلیون‌ها انسان در اثر گرسنگی می‌میرند و هزاران فرزند با کمبود ویتامین متولد می‌شوند، انداختن سفره‌های رنگارنگ و درست کردن چندین نوع غذا برای چند نفر، دور ریختن مواد غذایی و ماندن آن از مصادیق اسراف و حرام است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

قرآن مجید می‌فرماید: «و کلووا واشربوا ولا تسرفوا انه لایحب المسرفین؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد». (اعراف: ۳۱) اسراف در غذا و خوراک چند صورت دارد: زیاد خوردن، هدر دادن، دور ریختن و خوردن غذاهایی که در شأن انسان نیست. اسراف در مواد غذایی به ویژه در نان، بسیار دیده می‌شود. روایت‌های بسیاری نیز در اکرام و احترام نان وارد شده است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «کسی که لقمه نانی را پیدا کند، سپس آن را تمیز کرده یا بشوید و بخورد هنوز داخل شکم او قرار نگرفته که خداوند او را از آتش جهنم نجات می‌دهد» (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۸۸).

۴-۲. تجمل‌گرایی در پوشاک

حس زیبایی خواهی یکی از ابعاد روح و روان انسان است که به همراه دیگر ابعاد روح انسان مانند مذهبی و دانایی، ابعاد اصلی روح را تشکیل می‌دهد. (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۵) مرتب بودن، تمیز بودن و حتی رنگ لباس در روایات، اهمیت فراوان دارد و فرمان داده شده که لباس را تمیز و پاکیزه نگه دارید. لباس تمیز، غم و اندوه را از دل برده و نماز را پاک می‌کند (شاه‌آبادی، ۱۳۹۳، ص ۵۵). خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یوری سوءاتکم و ریشا؛ ای فرزندان آدم، لباسی برای شما فرودستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست» (اعراف: ۳۶). مسئله پوشش، گاه چنان اهمیتی می‌یابد که صبغه فرهنگی و ملی به خود می‌گیرد و می‌توان با توجه به آن، نگرش فکری و اعتقادی افراد و گروه‌ها را تعیین کرد. در حدیثی که شیخ صدوق به سندی از خود از اسماعیل بن مسلم نقل می‌کند امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند عزوجل به پیامبری از پیامبرانش وحی کرد که

به مؤمنان بگو پوشش دشمنان من را نپوشند. از خوردنی‌های ایشان نخورند و راه‌های آنان را نپیمایند که در این صورت آنان دشمنان من خواهند بود» (کلانتری، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵).

آگاهی درباره اسراف در لباس و حرام بودن آن، میزان توجه به نگهداری لباس و جلوگیری از آسیب دیدن آن، تفکیک لباس داخل منزل از لباس بیرون، تفکیک لباس کار از لباس مهمانی و میزان گرایش به استفاده لباس‌های رفو شده، می‌تواند گویای میزان تحقق اسراف و اتلاف در پوشاک باشد. امروزه رواج برخی آداب و رسوم غلط در بین خانواده‌ها به‌ویژه بانوان، مبنی بر عدم استفاده از لباس‌های مهمانی بیش از یک بار از مصادیق بارز اسراف و تجمل است. مدگرایی می‌تواند یکی از بسترهای تحقق اسراف در مصرف پوشاک باشد. (خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹)

آنچه در اسلام نهی شده، تجمل پرستی، رفاه‌زدگی و وابستگی به اینهاست. متأسفانه امروزه جنبه‌های زننده و منفی لباس گسترش یافته و لباس، عاملی برای انواع تجمل پرستی، مد، تحریک شهوت، خودنمایی و گسترش فرهنگ غرب است. (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۷) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان الله جميل و يحب الجمال و تجمل و یبغض البؤس و التباؤس؛ خداوند زیباست و زیبایی و اظهار آن را دوست دارد. فقر و اظهار آن را نیز مبغوض می‌دارد» (مجلسی، ۱۳۲۹، ۷۵/۳۹۶).

۴-۳. تجمل‌گرایی در مسکن

مهمترین و ضروری‌ترین نیاز انسان، مسکن است که در ردیف اول نیازمندی‌ها و خواسته‌های او قرار دارد. در روایات، داشتن مسکن مناسب از حقوق مسلم هر فردی شناخته شده و حتی تأمین آن برای زن از سوی شوهر از حقوق واجب است. در برخی از روایات، سخن از داشتن منزل وسیع است که از سعادت انسان بوده و پرهیز از ساخت و سکونت در منزل تنگ از نادانی و حماقت شخص شمرده شده است. (کاشمری، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) داشتن مسکن و سرپناه آن قدر اهمیت دارد که اگر صاحب‌خانه ورشکست شود اسلام، خانه را از مستثنیات دیون دانسته و طلب‌کار، حق مصادره و مطالبه آن را ندارد. بر اساس آموزه‌های معنوی و اخلاقی اسلام، گشودگی خانه و آسایش و خوشی حاصل از آن زمانی مطلوب و لذت‌بخش است که صاحب‌خود را از ذکر و یاد خانه حقیقی در فردوس برین و از همسایگی

با بهشتیان باز ندارد. در نگاه خداپاوران، خانه دنیوی در مقایسه با سرای اخروی قابل ذکر و توجه نیست. (کلانتری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰) گاهی در جامعه، ثروتمندانی دیده می‌شوند که به انگیزه خودنمایی و تجمل‌گرایی، خانه ریا می‌سازند. ساختمانشان را بیش از نیازی که دارند توسعه می‌دهند و آن را به شکل‌های مختلف می‌آریند تا به این صورت، خود را به مردم بنمایانند، قدرت مالی خود را به رخ دیگران بکشند، برتری و تفوق خویش را اثبات کنند و نزد دیگران به افتخار برسند. غافل از آنکه این کار به زیانشان تمام می‌شود و برای آنان، تیره‌روزی و بدبختی به بار می‌آورد.

کسی که خانه ریا می‌سازد نه تنها برخلاف مصلحت شخصی خود قدم برمی‌دارد بلکه با این عمل ناروا و خلاف اخلاق به جامعه نیز ستم کرده، بذر کینه و دشمنی در دل‌ها می‌کارد و زمینه بغض و بدبینی را بین مردم فراهم می‌کند. (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۴۴) رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من بنا بنیاناریاء و سمعتا حمله الله یوم القیامه علی عنقه و هو مشتعل و یلقى فی النار؛ آن کس که به منظور ریا و سُمعه، بنایی را بنیان نهد یعنی، بخواهد آن را به چشم دیگران بکشد و به گوش این و آن برساند در قیامت خداوند همان بنا را درحالی که مشتعل است برگردن وی می‌نهد و به آتش افکنده می‌شود» (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

۵. آثار تجمل‌گرایی در خانواده

هر پدیده اجتماعی، آثار و نتایجی را به دنبال دارد و در برخی موارد بر کنش‌ها و واکنش‌های نسل آینده جامعه نیز تأثیر گذاشته و آن را دگرگون می‌کند. تجمل‌گرایی زیان‌های بسیاری دارد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در کوتاه‌مدت یا درازمدت در جامعه برجای خواهد ماند.

۵-۱. آثار اخلاقی-تربیتی

۵-۱-۱. ترویج روحیه طغیان‌گری و عصیان

انسانی که به دنیا وابسته است و از ساده‌زیستی به تجملات روی می‌آورد، کم‌کم احساس بی‌نیازی می‌کند؛ زیرا همه چیز را فراهم شده و در دسترس می‌بیند. احساس بی‌نیازی، انسان را در رویارویی با حق قرار می‌دهد و چنان روحیه خودخواهی و غرور بر او چیره می‌شود که نمی‌تواند جز خودش، کسی

یا چیزی را قبول داشته باشد و با قدرت تمام با آن می‌ستیزد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «و ما در هیچ شهر و دیاری، پیامبری اندازکننده نفرستادیم مگر اینکه مترفین یعنی، آنها (همان کسانی که مست ناز و نعمت بودند) گفتند ما به آنچه شما فرستاده شده‌اید، کافر هستیم» (سبا: ۳۴). در این آیه، مترفون، جمع مترف از ماده ترف به معنی تنعم است.

مترف به کسی می‌گویند که فزونی نعمت و زندگی سرشار از رفاه، او را مست و مغرور و غافل کرده و به طغیان‌گری واداشته است. مترفان طغیان‌گر و غافل در صف نخست مخالفان پیامبران علیهم‌السلام بودند؛ زیرا آموزه‌های پیامبران الهی، مزاحم کام‌جویی‌ها و هوس‌رانی‌های آنان بود. همچنین پیامبران علیهم‌السلام از حقوق محرومانی دفاع می‌کردند که مترفان با غصب حقوق آنها توانسته بودند به این زندگی پر زرق و برق و تجملاتی برسند. افزون بر آن، این گروه همیشه برای پاسداری از مال و ثروتشان، قدرت حکومت را يدک می‌کشیدند در حالی که پیامبران علیهم‌السلام در برابر این کار نیز می‌ایستادند. به همین دلیل آنها بی‌درنگ به مبارزه برمی‌خاستند. گفتنی است که این گروه، روی حکم و آموزه خاصی انگشت نمی‌گذاشتند بلکه می‌گفتند: «ما به تمام آنچه شما به آن برانگیخته شده‌اید، کافریم و حتی یک گام نیز با شما همراه نیستیم». این سخن بهترین دلیل برای لجاجت و عنادورزی آنها در برابر حق بود.

۵-۱-۲. کاهش معنویت در خانواده

انسان در جهان مادی از آغاز آفرینش تا زمان مرگ با طبیعت و بسیاری از عناصر مادی ارتباط مستقیم دارد. برای همین، نسبت به جهان مادی، انس و الفت پیدا کرده و در پرتو این ارتباط نزدیک از لذت‌های مادی و طبیعی این جهان بهره‌مند می‌شود تا جایی که به حیات مادی و طبیعی عشق و علاقه می‌ورزد. بسیاری از انسان‌ها بر اثر شدت علاقه، هدف اصلی از آفرینش این جهان و خویشتر را فراموش می‌کنند و به هیچ قیمتی حاضر نیستند ذره‌ای از این لذت‌های مادی را از دست بدهند. تجمل‌گرایی که فریفته و دل‌باخته‌تجمل شده‌اند از امور معنوی فاصله گرفته‌اند. هرچه افراد بیشتری در یک جامعه چنین بینشی داشته باشند به همان نسبت، افول معنوی در سطح وسیعی از جامعه گسترش می‌یابد. این موضوع از نظر تاریخی نیز قابل بررسی است.

پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ خلفا در خلافت و رهبری جامعه اسلامی از سیره و سنت پیامبر ﷺ فاصله گرفتند. همین امر باعث شد که معنویت در جامعه اسلامی کم‌رنگ شود. هر فردی به‌طور طبیعی با دو گروه از هم‌نوعان خود سروکار دارد. گروه اول افرادی که رفاه بیشتر و وضع مادی بهتری نسبت به خودش دارند و گروه دوم، افرادی که در مرتبه پایین‌تری از خودش هستند. دستور اسلام این است که انسان باید بیشتر به دیدار دسته دوم برود و وضعیت آنها را در نظر بگیرد و درباره آنها فکر کند تا همواره از زندگی خود، خوش و راضی و فارغ از هر دغدغه و اضطرابی باشد و با دسته اول کمتر رفت‌وآمد کند. همچنین رفت‌وآمد با آنها باید به مقدار رعایت فریضه صلح‌رحم و اجتناب از گناه قطع رحم باشد. در همان حال به زرق و برق زندگی انسان‌های دسته اول چشم ندوزد؛ زیرا هر انسانی در نفس خودش خواهان چیزهای زیباست و اگر آنها را به دست نیاورد، آرامش ندارد و همیشه مشوش و نگران است. (مصطفوی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷)

۵-۱-۳. تبدیل ارزش به ضد ارزش

تبدیل باورها و ارزش‌های دینی و مذهبی به ضد ارزش، یکی دیگر از پیامدهای تجمل‌گرایی است. با گسترش تجمل‌گرایی، ارزش‌هایی که دین بر آنها تأکید کرده و هر انسان عاقلی آن را می‌پذیرد و حتی تجربه پیشینیان آن را ثابت کرده و در تار و پود جامعه دینی و مذهبی ریشه دوانده است، دستخوش نابودی شده و به‌عنوان ضد ارزش بیان می‌شود. در جامعه‌ای که تمام تلاش اعضای آن، دستیابی به تجملات بی‌حد و حصر باشد دیگر مفاهیمی چون زهد، قناعت، انفاق و ایثار هیچ جایگاهی نخواهد داشت؛ زیرا همه این ارزش‌ها مخالف خواست و میل آنهاست و هیچ کدام برای آنها ارزشی ندارد.

تجمل‌پرستی در میل درونی انسان به صورت اندوختن مال و زینت‌های مادی ریشه دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام گفت پروردگار ما! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی در زندگی دنیا داده‌ای و نتیجه‌اش این شده که (بندگان) را از راه تو گمراه می‌سازد. پروردگارا اموالشان را نابود کن و به جرم گناهانشان، دل‌هایشان را سخت (و سنگین) ساز و تا عذاب دردناک را نبینند، ایمان نیاورند» (یونس: ۸۸). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «کسی که به دنیا عشق و علاقه بورزد و آرزوهای طولانی برای

خود پیروانند خدا قلب او را کور می‌کند به هر اندازه‌ای که نسبت به دنیا علاقه بورزد» (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

۵-۲. آثار اقتصادی

۵-۲-۱. ورشکستگی و بدهکاری

بیشتر ورشکستگی‌ها و بدهکاری‌های اقتصادی به دلیل رعایت نکردن میانه‌روی در دخل و خرج است. بسیاری از بدهکاری‌ها و ورشکستگی‌ها و حتی گاهی رفتن انسان‌ها به زندان به دلیل رعایت نکردن و درست مصرف نکردن دخل و خرج است. کم نیستند افرادی که با دست‌درازی به طرف دیگران و قرض گرفتن از آنها می‌کوشند زندگی ساده و معمولی خود را به پای زندگی اشراف و اعیان برسانند. به همین دلیل ناچار می‌شوند همه سرمایه‌های خود را در این دنیا به بهای ناچیز، قربانی تجمل‌پرستی کنند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «هرکه قناعت داشته باشد و قناعت در پیش بگیرد نعمت برایش دوام خواهد داشت و هرکه بی جا خرج و اسراف ورزد نعمت از دستش می‌رود» (مجلسی، بی تا، ص ۲۸۰).

۵-۲-۲. تباهی سرمایه‌های خانواده‌ها

اسلام با تجمل‌گرایی مخالف است؛ یعنی آن زندگی که انسان را از همه چیز بازداشته و در دسرهای بسیاری در پی دارد؛ زیرا تجمل‌گرایی و مصرف نادرست سرمایه باعث می‌شود که انسان بیش از آنکه درآمد داشته باشد، خرج کند. (مظاهری، ۱۳۹۱، ص ۴۴) باید دانست که اسلام از گرایش فطری بشر به زیبایی آگاه است. برای همین، برآوردن این نیاز طبیعی و فطری را در محدوده شریعت و عقل تأیید می‌کند، ولی فراتر از این محدوده را نهی کرده است؛ زیرا هدر دادن ثروت و اموال برای امور واهی مانند تجمل‌گرایی مجاز نیست. امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «ان الله یبغض القیل والقال و اضاعه المال و اکثره السؤال؛ خداوند قیل و قال یا گفتار بی‌هوده و تباه کردن اموال و درخواست کردن فراوان را دوست نمی‌دارد» (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۳۲۶). تباه کردن و تزیین اموال که در این روایت به آن اشاره

شده است گستردگی ویژه‌ای دارد. به همین دلیل هرگونه تباهی، نابودی و فساد در اموال را شامل می‌شود. «اگر نان نباشد، نه می‌توان نماز خواند و نه می‌توان روزه گرفت» (کلینی، ۱۳۸۸، ۷/۷۳).

قرآن کریم درباره حفظ اموال و تباه نکردن آن می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان ندهید». (نسا: ۵) در این قسمت از آیه که خداوند می‌فرماید: «الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ منظور این است که قوام زندگانی و اجتماعتان به سرمایه‌های شما است و بدون آن نمی‌توانید کمر راست کنید، پس آن را به دست سفیهان نسپارید». از این تعبیر، اهمیت اسلام برای مال و حفظ آن به خوبی روشن می‌شود.

۵-۲-۳. گسترش فقر در خانواده و اجتماع

بی‌توجهی به میانه‌روی در دخل و خرج زندگی و پرداختن به تجملات، زمینه‌های پیدایش فقر را فراهم می‌کند. در یک زندگی اقتصادی و سالم، درآمد شخص یا جامعه از هزینه آن کمتر نیست یا دست کم با آن برابر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همانا خداوند سبحان، روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (مجلسی، ۱۳۲۹، ۷۱/۳۴۷). چه بسیارند افرادی که با رنج و زحمت، اشرافی‌گری پیشه می‌کنند و به زیاده‌روی در مصرف روی می‌آورند. چنین افرادی پس از مدتی به سبب این زیاده‌روی و ترک اندازه در معیشت، محتاج دیگران شده و فقیر می‌شوند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای جلوگیری از پدید آمدن چنین وضعیتی می‌فرماید: «خداوند سبحان، روزی فقیران را در اموال توانگران قرار داده است، پس هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر آنکه توانگری حق او را ندانده باشد و خدای متعال در این باره آنان را مؤاخذه خواهد کرد». (حکیمی، بی‌تا، ۴/۴۶۹) امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «مردم، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی‌شوند مگر به دلیل گناهان و ستم‌کاری توانگران» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۹/۱۲).

۵-۳. آثار دینی

۵-۳-۱. فراموشی یاد خدا و عذاب الهی

غفلت، یکی دیگر از پیامدهای تجمل‌گرایی است که انسان را از خداوند جدا کرده و به امور پست و حقیر، سرگرم و وابسته می‌کند. انسان یا جامعه تجمل‌گرا به دلیل دل سپردن به سرگرمی‌های ساختگی و روزانه زندگی مادی، از مبدأ و مقصد خود غافل می‌شود و خدا و آخرت را فراموش می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷). تجمل‌گرایی زمینه انجام بسیاری از گناهان مانند غرور، حسد، طمع، شهوت پرستی و کینه‌توزی را فراهم می‌کند. خدای متعال می‌فرماید: «بدانید همانا زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و تفاخر در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است» (حدید: ۲۰).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تفسیر آیه ۸۳ سوره قصص می‌فرماید: «این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند. انسان تجمل‌گرا دچار غفلت از معنویت و یاد خدا می‌شود و سرگرمی و خواب و خیال‌های زیادی دارد و از مسیر اصلی که مسیر الهی است خارج می‌شود». خداوند می‌فرماید: «آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت و (پایان کار) بی‌خبرند» (روم: ۷). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر ساختمانی که بیش از احتیاج باشد در روز قیامت بر دوش صاحبش خواهد بود» (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به ابن مسعود می‌فرماید: «ای ابن مسعود! پس از من اقوامی می‌آیند که طعام‌های پاکیزه و رنگارنگ را می‌خورند و خانه‌ها و کاخ‌هایی بنا می‌کنند و مساجد را به زیورآلات تزیین می‌کنند. تمام همت آنان برای دنیا است که به آن دل بسته و اعتماد کرده‌اند. شرف آنان به درهم‌ها و دینارهاست و تلاششان برای شکم است. آنان بدترین بدها هستند که فتنه از آنان برمی‌خیزد و به خودشان برمی‌گردد» (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ۲۹۴/۳).

۶. نتیجه‌گیری

اسراف و تجمل‌گرایی پیامدها و آثار مخرب فراوانی در خانواده اسلامی دارد که از آن جمله می‌توان به پیامدهای اقتصادی، تربیتی و اخلاقی و دینی اشاره کرد. از پیامدهای اقتصادی تجمل‌گرایی و اسراف

بر خانواده اسلامی می‌توان به ورشکستگی اقتصادی، تباهی سرمایه‌های خانواده و در نتیجه گسترش فقر اشاره کرد. پیامدهای تجمل‌گرایی تنها به موارد اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ زیرا این پدیده آثار بد تربیتی و اخلاقی نیز بر اعضای خانواده و جامعه دارد. از منظر دینی نیز تجمل‌گرایی و اسراف، زمینه‌های گناه، فراموشی یاد خدا و در نهایت گرفتاری به عذاب‌های الهی را به دنبال دارد. بنابراین، انسان باید به دنبال رها ساختن خود از چنگال این رذیله غفلت‌زا و آخرت‌سوز باشد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۷). مترجم: آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا. تهران: اسوه.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). **تحف العقول**. قم: جامعه مدرسین.
 ۲. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۷۶). اخلاق اقتصادی. تهران: اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نماینده ولی فقیه در سپاه.
 ۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). **وسائل الشیعه**. تهران: مؤسسه آل‌البتیت.
 ۴. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، و حکیمی، علی (بی‌تا). **الحیاه**. مترجم: آرام، احمد. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 ۵. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۸). اسراف از دیدگاه دین و دانش. تهران: انتشارات مهدی نراقی.
 ۶. خداپرست، حسین (۱۳۷۷). **مفردات الفاظ قرآن**. تهران: نوید اسلام.
 ۷. خطیبی، مهدی، و رجایی، کاظم (۱۳۹۲). شاخص اسراف و معیارهای آن. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
 ۸. دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۹). **گناهان کبیره**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۹. ستوده، غلامرضا (۱۳۷۷). **لغتنامه**. تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۰. شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۳). **مروری بر تجمل و اسراف**. تهران: کانون اندیشه جوان.
 ۱۱. طبرسی، حسن ابن فضل (۱۳۶۵). **مکارم الاخلاق**. قم: شریف رضی.
 ۱۲. کرمی‌نژاد، مصطفی (۱۳۹۰). **گناهان کبیره**. تهران: نه‌اوندی.
 ۱۳. کلانتری، علی‌اکبر (۱۳۸۴). **اسلام و الگوی مصرف**. قم: بوستان کتاب.
 ۱۴. کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۳۸۸). **فروع کافی**. قم: دارالحدیث.
 ۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۲۹). **بحار الانوار**. بیروت: منشورات الاعلمی المطبوعات.
 ۱۶. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). **موعظ امامان علیهم‌السلام** (ترجمه جلد ۷۵ بحار الانوار). مترجم: خسروی، موسی. تهران: نشر الاسلامیه.
 ۱۷. مصطفوی، جواد (۱۳۹۰). **بهشت خانواده**. مشهد: هاتف.
 ۱۸. مظاهری، حسین (۱۳۹۱). **اخلاق در خانه**. قم: حافظ.
 ۱۹. معین، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ فارسی معین**. تهران: معین.
 ۲۰. موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۸۸). **پژوهشی در اسراف**. قم: بوستان کتاب.